

حدیث روز:
امام رضا(ع): برترین خرد، خودشناسی است.

واحه:
همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست
همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۷/۵۱
اذان مغرب: ۱۷/۵۱
اذان صبح (فردا): ۴/۴۶
غروب آفتاب: ۱۷/۳۳
نیمه شب شرعی: ۲۳/۸
طلوع خورشید (فردا): ۶/۸

وضعیت آب و هوای امروز



تهران

ایلام

اردبیل

بندرعباس

بیرجند

ساری

شهرکرد

یزد

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداسویمی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN1۷۳۵
■ پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

Tuesday - October 12 , 2021 | شماره ۶۰۵۲

امروز در تاریخ:

روز بزرگداشت حافظ / روز اسکان معلولان و سالمندان / روز ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی
انتخابات شورایهای اسلامی شهر و روستا
پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ش)
افتتاح مدرسه دارالفنون به همت امیرکبیر در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۸ق)
کشف قاره آمریکا توسط کریستف کلمب، مکتشف و دریانورد ایتالیایی (۱۴۹۲م)

حکمت ۶۶:

❗ به حاجت نرسیدن آسان تر از درخواست آن از نااهل است.

تلنگر

من، کنافه و قبرستان یوسفیه

❗ کسانی که روزنامه نگاری کرده اند، می دانند محتواها کنار هم معنای دیگری پیدا می کند. مثلا اگر یک روزنامه حزب فلان، کاریکاتوری از عضو ارشد حزبش منتشر کند، یک معنی دارد و اگر روزنامه دیگری از حزب مخالف فلان همان کاریکاتور را منتشر کند، معنایی دیگر. یا به عنوان مثال، اگر یک تیتیر افتخارآمیز کنار یک عکس تحقیرآمیز استفاده شود کاملا معنایی مخالف آنچه به تنهایی هست را متبادر می کند. ذهنم دیگر همین چیزها بود که در یکی از شبکه های اجتماعی دو محتوای متفاوت را کنار هم دیدم. دو محتوایی که هیچ جوهره نمی شود ربطی بین شان پیدا کرد اما وقتی در آن زمان خاص و در آن مکان خاص کنار هم قرار گرفته، حرف خاص خودشان را در گوشم خواندند. اولی یک محتوای ویدئویی بود از یک تستر غذا که در رستورانی ترکیه ای در استانبول نشسته بود و گارسون داشت برایش کنافه می کشید.

کنافه را گذاشته بود وسط میز و با چیزی شبیه شمشیر و با حرکاتی خاص آن را می پیرید و در بشقاب های روی میز می کشید. همه چیز در شیک ترین و لوکس ترین حالت خودش قرار داشت. محتوای دومی خبر تخریب قبرستان یوسفیه در بیت المقدس بود. قبرستان یوسفیه بخشی از هویت مردم فلسطین است که این روزها توسط بولدزرهای رژیم اشغالگر در هم کوبیده می شود تا به جای استخوان های اجداد فلسطینی ها، بوستان توراتی سهیونیست ها ساخته شود. ذهنم می گفت کنافه مال ترکیه نیست. آن رستوران لوکس ترکیه ای نیست. آن همه ظواهر لوکس ترکیه ای نیستند. آن بولدوزر داشت یک هویت را در هم می کوبید. آن گارسون هم. کنافه ساخت فلسطین است.

تاریخ می گوید، معاویه بن ابی سفیان در رمضان بسیار گرسنه می شد و دستور داد آشپزان چیزی ابداع کنند که توان جسمی اش را در طول روز نگه دارد. یک آشپز اهل نابلس فلسطین «کنافه» را ابداع کرد. کنافه هم مثل بسیاری دیگر از ظواهری که حالا در ترکیه و کشورهای دیگر به نام زده شده اند، خاص فلسطین است.

این روزها فلسطینی ها دل و دماغ نصف کردن کنافه با شمشیر در رستورانی لوکس را ندارند. بیشتر دل نگران استخوان های شهدای شان هستند که زیر چرخ بولدزرهای رژیم اشغالگر سهیونیستی له می شود.

جایگاه

تحلیل های میثم رمضانعلی، فعال رسانه ای و یکی از قدیمی های توئیتر فارسی درباره این شبکه اجتماعی

گفت و گو میان رینگ

❗ «چه چیز در حال رخ دادن است (what is happening)؟» این جمله ای است که هر زمان وارد توئیتر شوید مقابل چشم شما می آید. همین پرسش ساده مغز را به تکاپو و فکر می اندازد که به پیرامون و احوالات درون خود نگاهی بیندازد و ببیند چه چیز در حال رخ دادن است تا آن را توییت کند. برخی بافضای توئیتر راحتند و تند تند از رخدادها می نویسند و برخی دست به عصا تر با این شبکه اجتماعی برخورد می کنند و گاهی چیزی می نویسند و گروهی هم هستند با این که عضو توئیترند و در این شبکه اکانث دارند اما وارد این شبکه می شوند و بدون این که چیزی بنویسند توئیتهای مورد علاقه خود را لایک و پسند کرده و نگاهی به توئیتهای می کنند و می روند. هر چه هست توئیتر در ایران دارد به یکی از شبکه های تاثیرگذار و محبوب تبدیل می شود. با میثم رمضانعلی که از سال ۲۰۰۸ عضو توئیتر شده و در آن فعالیت دارد هم صحبت شدیم تا برآیمان از فضای این شبکه اجتماعی و میزان جدی یا شوخی بودن آن برآیمان بگوید.

طاهره آشیانی

روزنامه نگار

❗ اگر بخواهید توئیتر را برای کسی که با این شبکه اجتماعی آشنا نیست توصیف کنید چه می گوید؟

توئیتر فارسی، رسانه ای شبکه ای است. یعنی از الگوی فعالیت جمعی پیروی می کند. توئیتر ۱۵ سال قبل فعالیت خود را آغاز کرد و به نظر من در همه این سال ها و حتی با ورود شبکه های اجتماعی متنوع هنوز هم بی رقیب و یکه تاز است و در دوره های مختلف جریان ساز بوده و هست. در ایران توئیتر فارسی شکل دهنده فضای رسانه ای است. چون کار شبکه ای در آن خوب جواب می دهد. آدم ها را با هم مرتبط کرده و شبکه تشکیل می دهد. این قابلیت در شبکه های اجتماعی دیگر کمتر است. توئیتر محدودیت کمی برای نوشتن دارد و همین محدودیت اتفاقا تبدیل به امتیاز شده و چون براساس متن طراحی شده اقبال عمومی از آن کمتر است. آمار نشان می دهد که عموم مردم تمایل حضور در اینستاگرام را دارند، حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون ایرانی در این شبکه اجتماعی فعالند اما در توئیتر این رقم خیلی کمتر است و شاید یک میلیون اکانث ایرانی فعال در توئیتر وجود داشته باشد. فیلتر بودن آن در محدودیت حضور مردم تاثیر دارد اما به نظرم حتی اگر فیلتر هم نبود باز هم عضو زیادی نداشت.

❗ گفتید توئیتر جریان ساز است هر چند عضو فعال محدودی دارد، این تاثیرگذاری به دلیل حضور افراد نخبه و خاص در توئیتر است؟

نه تعبیر این که توئیتر شبکه اجتماعی نخبه گراست، تعبیر غلطی است. توئیتر نخبه گرا نیست اما اهالی رسانه و سیاست در آن حضور پررنگ دارند و چون متن محور است، چرخش اطلاعات در آن بیشتر بوده و جریان سازی در آن بیشتر است. آدم های متنوعی در توئیتر فعالند با سطح سواد مختلف و مشاغل گوناگون که از اما نخبه و خاص هم نیستند. فضای سرگرم کنندگی توئیتر به دلیل متن محور بودنش کم است و افرادی با ذائقه رسانه ای و ویژه تری در این فضا فعالند. هر چند امکان دارد اعضای توئیتر در شبکه های دیگر مثل اینستاگرام و فیسبوک هم عضو باشند اما جنس استفاده آنها از توئیتر با دیگر شبکه های اجتماعی فرق دارد.



کافه میرداماد

تاب آوری در توئیتر؛ جدی یا شوخی

توئیتر فضای گفت و گو است که گاهی به زد و خورد هم منتهی می شود. گاهی بحث ها خیلی جدی می شود و باید به یکدیگر جواب های قانع کننده داد که شاید زیاد هم ملایم نباشند. در این شرایط در توئیتر طرف های گفت و گو کنند به اصطلاح روی رینگ می روند و با هم خیلی جدی صحبت می کنند. به نظر این جور صحبت هاست که جریان ساز است. در توئیتر لایک گرفتن و حتی فالوئر و دنبال کننده زیاد داشتن به معنای تاثیرگذاری نیست. آنهایی در توئیتر تاب می آورند و جریان سازی می کنند که حرفی متفاوت داشته باشند و پای حرف شان بمانند و آدم های زیادی را وارد گفت و گو کنند. آنهایی که توهمین می کنند یا بد و بیراه می گویند یا حتی شوخی های زننده می کنند معمولا اکانتهای سازمان یافته هستند که دیر یا زود شناسایی شده و از رده خارج می شوند. برخی در توئیتر روزمره نویسی را ادامه می دهند که به نظر اگر متفاوت باشد اتفاقا جذاب است و مخاطبان زیادی را با خود همراه می کند. مهم این است در روزمره نویسی از چه ادبیاتی استفاده کنی و از چه زاویه ای آن را روایت کنی. توئیتر تعارف بردار نیست. اگر جذاب نباشد نه لایک می خورد و نه منشن و ریپلای. برخی هم در توئیتر از نام مستعار استفاده می کنند به چند دلیل. اول این که می خواهند شخصیت حقیقی خود را مخفی کنند که آسیب کمتری در فضاهای سیاسی و اجتماعی ببینند. گروهی هم هستند که اسم مستعار زیبا و متفاوتی برای خود انتخاب می کنند که همین باعث می شود دیگران او را دنبال کنند و اگر توئیتهای جذاب و تاثیرگذاری داشت در درازمدت مخاطب او بمانند.

گفت و گو شکل می گیرد آن موضوع حتما اهمیت پیدا می کند. همین قابلیت ها باعث شده افراد خاصی در توئیتر فعال باشند و توئیتهای آنها تاثیرگذار شود.

❗ تو فان های توئیتری کی شکل می گیرد؟

ترند و هشتگ مختص توئیتر هستند. هشتگ اول از توئیتر شروع شد به این منظور که یک موضوع بیشتر دیده شود. هشتگ در توئیتر یک جور جیغ زدن است که مرا ببین و به من توجه کن. یک جور فراخوان است. در توئیتر فارسی از هشتگ برای توفان های توئیتری استفاده می کنند اما قبل توفان یک اتفاق در یک شهر و یک کشور باید ترند شود. توفان در توئیتر فارسی تقریبا از بین رفته است چون ترندهای سازماندهی شده زیاد شده اند. ترندهای اجتماعی واقعی هم معمولا برای دسته بندی استفاده می شوند. مثلا یک کشتی گیر مدال طلای جهانی می گیرد، توئیتهای زیادی با هشتگ نام او نوشته می شود که شاید ترند هم

شود اما این هشتگ سازی برای دیده شدن نام آن فرد است و شاید ترند توئیتر فارسی شود که جنبه سیاسی یا اجتماعی خاصی هم ندارد. استفاده از هشتگ در توئیتر یعنی به این موضوع دقت کنید و آن را ببینید.

❗ برخی بر این باورند که توئیتر فضای سخت و خشنی دارد و هر کسی نمی تواند در آن تاب بیاورد.

یکی از دلایلش به دلیل گفت و گویی است که در آن جریان دارد. نمی توان حرفی را زد و کنار ایستاد و وارد بحث نشد و یا حتی اگر کسی فحش داد، آن را پاک کرد. کاربران توئیتر منفعل نیستند و در قبال توئیتهای واکنش نشان می دهند، درست یا غلطش را کاری ندارم. گاهی چیزی می نویسی و صد نفر زیر توئییت شما عکس العمل نشان می دهند. شاید انتقادات سنگین داشته باشند یا فحش و ناسزا بدهند. در توئیتر باید پوست کلفت بود و ریپلای ها و کامنت ها را با حوصله و صبر دید، چون نمی توان آنها را پاک کرد و اجازه نداد دیگران آنها را ببینند.



آب را چون یافت
خود کوزه شکست

مولوی جلال الدین در مثنوی معنوی اش شعری دارد که گوشه ای از آن می گوید:
آن یکی خر داشت پالانش نبود
یافت پالان گرگ خر را در ربود

کوزه بودش آب می نامد به دست
آب را چون یافت خود کوزه شکست

حالا حکایت مردم افغانستان است که در گذر از حکومت قبلی به حکومت فعلی درگیر مسائل و مشکلات کوچک و بزرگ بسیاری شده اند. مردم افغانستان در دولتی که زیر پرچم آمریکایی ها سعی می کرد امنیتش را حفظ کند و خودش را روی پا نگه دارد، چیزهایی داشتند که غالبا از غرب می رسید. فرصت های شغلی که داشت روز به روز بیشتر می شد اما رگ سرمایه گذاری افغانستانی نبود. بازارهایی که روز به روز رونق می گرفتند با اجناسی که غالبا از خارج می رسید و افغانستانی نبود. پول در گردش افتاده بود اما در سیستمی که گویا غالب چرخ دنده هایش مهر «ساخت افغانستان» نداشت. کسب و کار رونقی نسبی داشت و مردم کم و بیش از پس نان شب شان برمی آمدند اما امنیت به مویی بند بود که گاهی با

کوچک ترین حرکت گروه های مختلف پاره می شد و خواب مردم افغانستان را می اشفت و رنگ آرامش را از شب و روزشان می گرفت.
حالا اما با روی کار آمدن حکومت جدید اوضاع فرق کرده است. اگر چه اخیرا انفجاری در مسجد شیعیان قندوز اتفاق افتاد که داغی تازه و بزرگ بر دل شیعیان و مردم افغانستان گذاشت، امنیت اما بیش از حکومت قبلی در شهرها، خیابان ها و کوچه ها احساس می شود. حالا مردم احساس امنیت می کنند و این را تمام خبرنگارانی که پای شان را در جمع های مردمی در افغانستان گذاشته اند تصدیق می کنند. این را که مردم در جمع ها و گردهم آیشان مدام صحبت این را می کنند که این روزها امنیت به زندگی شان برگشته و دیگر نگران این نیستند که صبح که فرزندان از خانه بیرون می رود، بعد از ظهر با صدای انفجاری خیرش به خانه برگردد. حالا اما مساله دیگری روی خودش را نشان داده است. غم نان، حالا کسب و کار مردم افغانستان به نسبت گذشته از رونق افتاده و گردش پول و چرخه بازار روز به روز کندتر می شود.

کارشناسان دلیل این اتفاق را هم چیزهای مختلفی بیان می کنند. از ترس بعضی کاسب ها از راه انداختن مجدد کسب و کارشان گرفته تا روشن نبودن آینده برای بسیاری از صاحبان مشاغل و در نتیجه سر کار برنگشتن شان و تا مهاجرت تعداد زیادی از سرمایه گذاران و صاحبان مشاغل بزرگ.
حالا این میان، قطع شدن سطل های آبی را که خارجی ها در این چاه می ریختند هم به این مشکلات اضافه کنید.
حالا گزارش های خبرنگارانی که زندگی این روزهای افغانستان را روایت می کنند، می گوید مردم دارند همه سعی شان را می کنند کرد و خاک جابه جایی حکومت را از روی میز دکان ها بردارند و چرخ کسب و کار و بازار را دوباره به حرکت درآورند. حتی شده به قیمت فروش وسایل خانه شان، بازار را به حرکت بیندازند.

عکس ها تسنیم